

تحلیلی بر نگرش خیر کثیر در بسترسازی جامعه مهدوی

سید حسین رکن الدین^۱

طیبه قائمی بافقی^۲

چکیده

«جامعه آرمانی» از دیرباز در فرهنگ‌ها و ادیان مختلف مورد گفت‌وگو بوده است. تحقق جامعه آرمانی، نیازمند مقدماتی است که مهم‌ترین آن‌ها، تغییر نگرش افراد جامعه است؛ زیرا نوع نگرش افراد، بر رفتار آن‌ها مؤثر بوده و عملکرد و رفتار آحاد جامعه است که اجتماع را می‌سازد. براساس فرهنگ قرآنی، نگرش افراد در قالب دو نگرش «تکاثری» و «کوثری» قابل بررسی است. مستکبران و دنیاطلبان، به دنیا نگرش تکاثری دارند و تمام اعتباریات را فقط از آن خود دانسته و برای تحقق کثرت‌طلبی‌شان، دائم به دنبال افزایش سلطه بر دیگران هستند. در مقابل آن‌ها، افراد در نگرش کوثری، اصالت را به زندگی اخروی می‌دهند. این نگرش، سبب می‌شود افراد علاوه بر اصلاح خود، به دنبال گسترش فرهنگ دینی باشند. در فرهنگ اسلام شیعی این رویکرد «انتظار فرج» نامیده می‌شود که در زمره افضل اعمال است؛ زیرا این رویکرد دارای این ظرفیت و قابلیت است که با ایجاد فضای نگرش مثبت و آرمان‌گرا، گرایش افراد و جامعه را به سمت تحقق جامعه مهدوی رهبری کند. این پژوهش که از نوع کتابخانه-ای است، با دو روش نقلی - وحیانی و عقلی - تحلیلی است. در این مجال، به مهم‌ترین محورهای ضروری این تغییر نگرش پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: تغییر نگرش، نگرش کوثری، نگرش تکاثری، جامعه آرمانی، جامعه مهدوی.

1. دانشیار دانشگاه معارف اسلامی قم
Hoseinr12@yahoo.com

2. کارشناس ارشد رشته اخلاق اسلامی - پژوهشگر مؤسسه انقلاب اسلامی قم (نویسنده مسئول)

2. کارشناس ارشد رشته اخلاق اسلامی - پژوهشگر مؤسسه انقلاب اسلامی قم (نویسنده مسئول)
ghaemi.bafghi@gmail.com

باور به ظهور منجی، با فطرت پاک انسانی آمیخته و از مسائل آرمانی بشر است و آرزوی تحقق جامعه آرمانی فراتر از افق زمان و مکان و دین و مذهب قابل بررسی است. موعود در مذاهب مسیح، یهود، اسلام و... به معنای «انتظار آمدن نجات‌دهنده‌ای است که همه دنیا را اصلاح خواهد کرد.» با این حال، در بعضی جزئیات تحقق این پدیده، اختلاف دیدگاه وجود دارد (دوانی، ۱۳۷۸: ص ۱۸۰). باور به ظهور منجی به پیروان ادیان یهود، مسیح و اسلام منحصر نیست؛ برهمنیان نیز به ظهور منجی‌ای به نام *کریشنا* و زرتشتیان به ظهور موعود آسمانی به نام *سوشیانس* معتقدند. اغلب آیین‌های دنیا با اندکی تفاوت به ظهور چنین فردی در آخرالزمان باور دارند. قابل توجه این که ترجمه اسامی تمام یا اکثر کسانی که پیروان ادیان و مذاهب منتظر ظهورشان هستند، هادی، مهدی، موعود و ... است (جزایری، ۱۳۸۱: ص ۸۶۳). لذا در طول تاریخ، حتی پیش از اسلام، اجمالاً مردم به منجی جهانی دل‌بسته بودند. امروزه نیز میلیون‌ها انسان محروم و مظلوم در انتظار آینده درخشان و فارغ از ظلم، لحظه‌شمارند. تحقق این آرزوی دیرینه و آرمانی، نیازمند فراهم آوردن زمینه‌های آن است. از نگاه نگارنده، تغییر نگرش انسان از امور دنیایی و تکاثری به امور معنوی و کوثری، ضروری-ترین و اساسی‌ترین مقدمه برای تحقق این مهم است.

براساس یک قاعده کلی، تغییر نگرش برای تغییر عملکرد و شرایط زندگی، امری ضروری است؛ چنان که امام علی علیه السلام فرمودند: «تفکر و اندیشه، انسان را به سوی نیکوکاری و عمل کردن به آن سوق می‌دهد» (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۲، ص ۵۵). خداوند بر این مهم نیز تأکید می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد: ۱۱). پس می‌توان گفت برای هر تغییری، ابتدا باید نگرش فرد تغییر یابد. تا زمانی که نگرش افراد برای تغییر متناسب نباشد، تغییری اتفاق نخواهد افتاد (کاوی، ۱۳۹۵). در حال حاضر، جامعه جهانی با سرعت چشم‌گیری در جهت کثرت‌طلبی و تکاثرگرایی در زمینه‌های مختلف در حرکت است. فساد و تباهی‌ای که بشر در عرصه‌های مختلف با آن روبه‌روست، دستاورد همین نگرش و عملکرد است. براساس همان قاعده کلی، لازمه دستیابی جامعه جهانی به جامعه آرمانی مورد انتظارش، تغییر نگرش است.

این پژوهش که از نوع کتابخانه‌ای است، با روش عقلی-تحلیلی و نیز نقلی-وحيانی

تلاش می‌کند ضرورت تغییر نگرش جامعه جهانی از تکاثری به کوثری و نیز نقش این تغییر را برای رسیدن به جامعه آرمانی مورد انتظارش، به عنوان مقدمه ضروری زمینه‌ساز جامعه موعود، تبیین کند.

پیشینه

در تبعی که در زمینه «لازمه تحقق جامعه مهدوی، ضرورت تغییر نگرش تکاثری به کوثری» صورت گرفت؛ به پژوهش‌هایی با نگرش‌های مختلف، از جمله «فرهنگ و زندگی کوثری و تکاثری»، «جایگاه اومانیسیم در توسعه کوثری» و «توسعه کوثری در برابر توسعه تکاثری» دست یافته و درباره جامعه مهدوی و ظهور، کتاب‌ها و مقاله‌هایی منتشر شده، از جمله کتاب‌های «مهدی علیه السلام ده انقلاب در یک انقلاب»، «امام مهدی علیه السلام موجود موعود»، «پیام‌های حضرت مهدی علیه السلام به دولتمردان و مسئولان» و همچنین مقاله‌هایی مانند «انعکاس تصویر جامعه مهدوی در جامعه منتظر» و «ابعاد رشد در مدینه فاضله مهدوی از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی» منتشر شده‌اند؛ اما در زمینه بایستگی تغییر نگرش تکاثری به نگرش کوثری در تحقق جامعه مهدوی، موردی یافت نگردید. لذا می‌توان ادعا کرد پژوهش حاضر، کاری نو و رویکردی جدید به تحقق جامعه مهدوی است.

نگرش تکاثری و کوثری از منظر قرآن

«تکاثر» و «کوثر» از ریشه مشترک «کثرت» است؛ ولی این دو دارای معنای ارزشی متفاوتی هستند. «تکاثر» مصدر باب تفاعل، به معنای تفاخر و مباهات کردن به یکدیگر در مال، عدد و ولد است (مکارم‌شیرازی و دیگران، ۱۳۷۱: ج ۲۷، ص ۲۷۶؛ طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۲۰، ص ۶۰۰ و طریحی، ۱۳۷۵: ج ۳، ص ۴۷۰) «تکَاثُرًا»، به معنای چشم و هم‌چشمی و معارضه کردن در افزونی مال و بزرگی است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ص ۷۰۳). «تکاثر» امری است طرفینی که در مال و نفر باهم برتری طلبی می‌کنند (صاوی، ۱۴۲۷: ج ۴، ص ۴۱۸)؛ اما «کوثر» بر وزن «فوعل»، وصفی است که از «کثرة» گرفته شده و به معنای «خیر کثیر و فراوان» است. (زهری، بی‌تا: ج ۱۰، ص ۱۰۲؛ فراهیدی، ۱۴۱۰: ج ۵، ص ۳۴۸؛ صاوی، ۱۴۲۴: ج ۴، ص ۴۳۵ و ابن عاشور، ۱۴۲۰: ج ۳۰، ص ۵۰۲). «کوثر» در لغت به معنای زیاد از هر چیز؛ غبار زیاد پیچیده آمده است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۵، ص ۱۳۳). «کوثر» کثرت و فراوانی است



که اندازه و مقدار معین ندارد (مغنیه، ۱۳۷۸: ج ۸، ص ۱۸۷). کوثر، نهری است که رودهای دیگر از آن منشعب می‌شوند؛ خیر عظیمی که به پیامبر ﷺ اعطا شده است و به مرد بخشنده نیز تعبیر شده است (راغب، ۱۴۱۲: ص ۷۰۳).

در نگرش تکاثری، کفار، رغبت به دنیا و تکاثرخواهی را راهی برای حفظ عزت خود می‌دانند و این امر براساس سلوک و منش جاهلیت است (ابن عطیه، ۱۴۲۲: ج ۵، ص ۲۶۶). نگرش تکاثری سبک زندگی خاصی به دنبال می‌آورد. لذا متکاتران، زندگی خود را وقف جمع‌آوری ثروت می‌کنند؛ رویکرد زیاده‌طلبانه‌ای در زندگی پیش گرفته و به دنبال مقام و سلطه‌گری می‌باشند و به آنچه باعث کمال عقلشان می‌شود، عنایت و توجهی ندارند (خطیب، ۱۴۲۴: ج ۱۶، ص ۱۶۶۵). از پیامدهای نگرش تکاثری، می‌توان به مباحثات به کثرت اموال و فرزندان اشاره کرد (ر.ک: مراغی، بی‌تا: ج ۲۷، ص ۱۷۷). در این رویکرد به دلیل این که فرد از پروردگار متعال روی گردانده است و به زندگی دنیا مشغول می‌شود، خودبه‌خود در خودنمایی، خودبینی و محبت دنیا غرق خواهد بود. چنین کسی در وادی غفلت و جهالت است و مفهوم لذت در عبادت و الم در معصیت را نفهمیده، و میان وظایف و فرایض و آنچه حرام و ممنوع است، تفاوتی نخواهد گذاشت (منسوب به امام صادق علیه السلام، ۱۳۶۰: ص ۱۲). در قرآن علت نفسانی تکاثر، «شُحُّ نَفْسٍ» شمرده شده است. شحّ نفس، همان حرص برای باقی ماندن مال است تا آن مال صرف لذات دنیا شود. از این رو، خداوند - که خواهان سعادت همگان است - دنیا را حقیر شمرده تا متکاتران از گرایش تکاثری روی برگردانده و به نگرش کوثری روی آورند و با کنترل شحّ نفس، به توفیق احسان، انفاق و پرهیزکاری نایل گردند (ر.ک: ابن عاشور، ۱۴۲۰: ص ۲۷ و ص ۳۶۱).

نگرش زیاده‌طلبانه تکاثری، سبب می‌شود افراد در طلب کثرت مال، اولاد، تفاخر، تکبر، ریاست، اسم و عنوان غرق شوند و به هر مرتبه‌ای که برسند، مرحله بالاتر را آرزو کنند (طیب، ۱۳۶۹: ج ۱۴، ص ۲۱۶). این گرایش تکاثری بدون حد انسان، تنها در بستر فرهنگ کوثری، با ایمان، تقوا و توکل در مسیر اهل بیت علیهم السلام کنترل می‌شود. لذا پیامبر صلی الله علیه و آله راه نجات از نگرش تکاثری که دنیا را به دریایی ژرف و هولناک مبدل می‌کند (و غرق شدن در آن، انسان را تهدید می‌کند)، توسل به اهل بیت علیهم السلام معرفی می‌فرماید: «اعْلَمُوا أَنَّ الدُّنْيَا بَحْرٌ عَمِيقٌ ... وَ أَنَّ سَفِينَةَ نَجَاتِهَا آلُ مُحَمَّدٍ» (حسن بن علی، ۱۴۰۹: ۴۳۲). اوج این اعتماد و بهره‌-

مندی از اهل بیت علیهم السلام در جامعه ظهور، تحت لوای ناجی موعود تحقق خواهد یافت که از دیدگاه شیعه، کسی جز حضرت مهدی علیه السلام نخواهد بود؛ زیرا وعده پیامبر صلی الله علیه و آله و معصومان علیهم السلام مبنی بر برقراری حکومت عدل در آخرالزمان، فقط توسط ایشان محقق خواهد شد. به این رو، در روایات اهل سنت و شیعه انتظار فرج مورد تأکید است. لذا بایسته است به منظور تحقق جامعه مهدوی نگرش تکاثری ریشه کن شود و نگرش کوثری گسترش یابد.

مؤلفه‌های ضروری تغییر نگرش

در ادامه، به ترتیب اولویت، مؤلفه‌های اساسی نگرش تکاثری و ضرورت تغییر آن‌ها به نگرش کوثری، برای دستیابی به جامعه مهدوی، مورد توجه قرار خواهد گرفت:

۱. ضرورت تغییر نگرش، از سلطه‌پذیری به آزادی و استقلال

منشأ استعمارگری و اجبار دیگران به سلطه‌پذیری، نگرش تکاثری است. استعمارگرایی نوعی سلطه است که شامل تحمیل یک نفر به دیگران می‌شود و یا یک کشور، قدرتش را بر دیگری، از طریق حل و فصل، حاکمیت و یا مکانیسم‌های غیرمستقیم کنترل، تحمیل می‌کند. مشروعیت استعمارگرایانه، دغدغه طولانی‌مدت فیلسوفان سیاسی و اخلاقی در سنت غربی بوده‌است (میل، ۱۹۶۳: ص ۳۸۰). استعمارگرایی پدیده‌ای مدرن نیست. تاریخ جهان پر از نمونه‌هایی است که جامعه‌ای به تدریج با افزودن قلمرو مجاور و راه‌اندازی مردم آن در قلمرو تازه تسخیرشده، گسترش می‌یابد. یونانی‌های باستان، مستعمرات خود، مانند رومی‌ها، مورها و عثمانی‌ها را به‌وجود آوردند و تنها چند نمونه از معروف‌ترین آن‌ها را نام بردند! پس، استعمار به زمان یا مکانی خاص محدود نیست (یونگ، ۲۰۰۱). از دیر زمان تا امروز سرنوشت محتوم قشر زیردست رضایت و پذیرش زور و بیداد قشر حاکم بوده که منشأ آن سلطه‌پذیری و تسلیم‌شدن در مقابل سلطه‌گران زورگو بوده‌است و البته با انقلاب‌ها و جنبش‌های آزادی-طلب، این تابو رخنه برداشته ... و روزنه امید به سوی عدالت و دادگری گشوده و نگرش ملل و افراد به سوی حاکمی عادل و منجی جلب خواهد شد (خامنه‌ای، بیانات در اجتماع زائران حرم رضوی، ۱۳۸۷/۱/۱). متأسفانه امروز مسیر تاریخ، مسیر ظلم است، اما ملت ایران بر تغییر و اجرای احکام و ارزش‌های انقلابی عزم کردند. معرفت به این مسیر و دستیابی به آن نقطه موعود، مسیر تاریخ را عوض خواهد کرد و زمینه ظهور ولی‌امر و ولی‌عصر علیه السلام آماده و دنیا

وارد مرحله جدیدی خواهد شد (همان، دیدار با مردم قم، ۱۳۹۱/۱۰/۱۹). این رویکرد استقلال‌طلبی و آزادی از اطاعت طواغیت، از آموزه‌های قرآن و برگرفته از نگرش کوثری است: «اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ» (نحل: ۳۶). در این نگرش، پذیرش حکومت خدا، با پذیرش سلطه طاغوت‌ها نمی‌سازد. یکتاپرستی همین است که انسان را از یوغ مستکبران آزاد کند (قرائتی، ۱۳۸۳: ج ۴، ص ۵۱۹). «دین»، پیروان خود را از تسلیم‌شدن در مقابل ظلم منع و به مقابله با ظالم تشویق و عدالت، آزادی، معنویت و پیشرفت را به زندگی انسان‌ها پیشنهاد می‌کند (خامنه‌ای، دیدار اجلاس جهانی جوانان و بیداری اسلامی، ۱۳۹۰/۱۱/۱۰). آزادی در عقیده و دیدگاه، بهترین وسیله پیشرفت جامعه است و در سایه نظم عادلانه و زندگی با رفاه باید افراد خاصیت و جوهر خود را نشان دهند و به سوی ترقی و پیشرفت بگرایند و این مقصود حاصل نشود، جز این‌که افراد در خود، آزادی کامل را درک کنند و مانعی سر راه خود به نظر نیآورند. اختناق و سلب آزادی افراد، باعث رکود و عقب‌گرد جامعه می‌شود (کلینی، ۱۳۷۵: ج ۳، ص ۷۲۷). با ملاحظه ناپایداری حاکمیت سلطه‌گران: «وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ» (آل عمران: ۱۴۰) و پذیرش این‌که خداوند پشتیبان همیشگی و حقیقی مؤمنان است، نگرش مؤمنان به نتیجه ظلم‌ستیزی عوض می‌شود و پیروزی مؤمنان، جذب افراد به سوی حق و حقیقت و نیز تمایل به کسب ایمان واقعی را موجب می‌گردد (آلوسی، ۱۴۱۵: ج ۲، ص ۲۸۴). لذا در برابر متجاوز، باید ایستاد. نگرش کوثری، به هرکس این حق را می‌دهد اگر به او تعدی شود، به همان مقدار مقابله کند. تسلیم در برابر متجاوز، مساوی است با مرگ و مقاومت در برابر متجاوز، مساوی است با حیات. این، منطق اسلام است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۲، ص ۳۳). این روحیه سلطه‌ستیزی و استقلال‌طلبی برگرفته از فرهنگ اسلامی، به خصوص فرهنگ شیعی در «جهاد» نمود پیدا می‌کند و این تنها راه تحقق جامعه مهدوی معرفی می‌شود (صادقی تهرانی، ۱۳۶۵: ج ۶، ص ۱۶).

اگر این تغییر نگرش در تمام جوامع به وجود آید، به یقین جامعه آرمانی محقق خواهد شد. حضرت علی علیه السلام در توصیف حکومت مهدی علیه السلام می‌فرماید:

لَيَنْزِعَنَّ عَنْكُمْ قُضَاةَ السَّوِّءِ وَ لَيَقْبِضَنَّ عَنْكُمْ الْمُرَاضِينَ وَ لَيَعَزِلَنَّ عَنْكُمْ أَمْرَاءَ الْجَوْرِ وَ لَيُطَهِّرَنَّ الْأَرْضَ مِنْ كُلِّ غَاشٍ وَ لَيَعْمَلَنَّ بِالْعَدْلِ؛ قاضیان زشت‌کار را کنار می‌گذارد و اشخاص از خودراضی یا خودخواه را از (ظلمشان به) شما جلوگیری می‌کند و

فرماندهان ظالم و ستم‌پیشه را برکنار می‌کند؛ زمین را از وجود افراد خیانت‌کار
تطهیر می‌کند و عدل را به کار می‌بندد (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۱، ص ۱۲۰).

تحقق این وعده که تهدیدی برای تمام مستکبران و امیدی برای مظلومان عالم است، به
زمینه‌سازی و آمادگی جهانیان نیاز دارد. این آمادگی چیزی نیست جز تغییر نگرش سلطه-
پذیری به آزادی‌خواهی و استقلال‌طلبی آحاد جوامع انسانی.

انقلاب اسلامی ایران، آغاز این حرکت مبارک است. جهان اسلام، بلکه جامعه جهانی به
پیچ تاریخی مهمی وارد شده است که عبارت است از تحول از سیطره دولت‌های دیکتاتور به
آزادی‌ملت‌ها و حاکمیت ارزش‌های معنوی و الهی (خامنه‌ای، دیدار شرکت‌کنندگان در
اجلاس جهانی جوانان و بیداری اسلامی، ۱۳۹۰/۱۱/۱۰). حوادث امروز شمال آفریقا، کشور
مصر، کشور تونس، برخی کشورهای دیگر، برای ملت ایران معنای خاصی دارد و این، همان
چیزی است که همیشه به‌عنوان حدوث بیداری اسلامی، به مناسبت پیروزی انقلاب بزرگ
اسلامی ملت ایران گفته می‌شد (خامنه‌ای، دیدار با مردم قم، ۱۳۸۹/۷/۲۷). کولپه^۱ از
خاورشناسان غربی و ایران‌شناس نامدار می‌گوید:

انقلاب اسلامی، بسیاری از مسلمانان مقیم خارج از جهان اسلام را در مسیر بازیابی
هویت اسلامی خویش قرار داد؛ بدون تردید، آغازگر جنبش تجدید حیات اسلام
است که اثرگذاری فراملیتی داشته است (کولپه، ۱۹۸۹: ص ۶۷ به نقل از رسالت،
۱۳۸۹/۳/۱۶).

در کشورهای غربی، اسلام‌گرایی به‌عینه مشاهده می‌شود و کشورهای همچون آمریکا،
آلمان، انگلیس و فرانسه، اسلام‌هراسی را به دلیل تأثیرگذاری انقلاب اسلامی بر جهان، راه
اندازی کرده‌اند.

نتیجه این که جامعه جهانی برای دستیابی به جامعه مطلوب و آرمانی، نیازمند تغییر نگرش
از سلطه‌پذیری به آزادی و استقلال است و این اولین و ضروری‌ترین تغییر نگرش از تکاثری
به کوثری است و تا این تغییر در جوامع شکل نگیرد، در وضعیت موجود هیچ تغییری پدید
نخواهد آمد. این، زیربنایی‌ترین شرط حرکت جوامع به سمت تعالی و پیشرفت است. این تغییر
در انقلاب اسلامی ایران، به عنوان الگویی برای جوامع قابل بررسی است.



۲. ضرورت نفی نگرش نژاد برتر

آیا رهبری جامعه باید در دست گروهی خاص با ویژگی‌های منحصر به فرد باشد یا فردی از متن جامعه می‌تواند این وظیفه خطیر را عهده‌دار گردد؟ نگرش تکاثری برتری‌طلبی قومی و نژادی، چنین باوری را القا می‌کند. اعتقاد به نژاد برتر، ریشه‌ای تاریخی دارد. از دیرباز برخی خود را از دیگران برتر دانسته و با سوء استفاده از جهل مردم، برای خود جایگاهی کسب کرده و بر مردم ضعیف، ستم روا داشته‌اند. اسلام با این نگرش مخالف است؛ آن را جاهلی می‌داند و افتخار به انساب و قبایل را موهوم تلقی می‌کند. اما هنوز رسوب‌ها و بقایای آن در اعماق روح بسیاری از افراد و اقوام وجود دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۲۲، ص ۱۹۸). به دلیل همین رویکرد فاسد، در همه قرون و اعصار، آرزوی مصلح بزرگ جهانی در دل‌های خداپرستان وجود داشته است و این آرزو، به پیروان مذهب‌های بزرگ مانند زرتشتی، یهودی، مسیحی و مسلمان منحصر نمی‌شود، بلکه ردپای آن را در افسانه‌های یونان، افسانه‌های میترا در ایران، کتاب‌های قدیم چینیان، عقاید هندیان، بین اهالی اسکاندیناوی، میان مصریان قدیم، بومیان وحشی مکزیک و نظایر آن‌ها نیز می‌توان یافت (دوانی، ۱۳۷۸: ص ۱۷۸). این آرزو از تمایل فطری بشر به مساوات و نفرت آن‌ها از برتری‌طلبی و نژادپرستی متکاثران حکایت می‌کند.

«برتری‌طلبی»، یکی از اصلی‌ترین و ریشه‌دارترین ویژگی‌های نگرش تکاثری است؛ در حالی که این رویکرد، در نگرش کوثری هیچ جایگاهی ندارد. در اسلام ملاک برتری تقوا معرفی شده است: «... إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ...» (حجرات: ۱۳). مخاطب این آیه، کل جامعه انسانی است و به مهم‌ترین اصلی اشاره می‌کند که ضامن نظم و ثبات جامعه است. این اصل، میزان واقعی ارزش‌های انسانی را در برابر ارزش‌های کاذب و دروغین مشخص می‌سازد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۲۲، ص ۱۹۶). براساس آموزه‌های قرآنی، حسب و نسب نزد خداوند شرافتی محسوب نمی‌شود؛ زیرا برتری نسبی اکتسابی نیست و با تلاش و کوشش به دست نمی‌آید؛ درحالی که خداوند، آنچه را انسان با تلاش کسب کند، مؤثر و عامل پیشرفت و کمال می‌داند (فخر رازی، ۱۴۲۰: ج ۲۸، ص ۱۱۳). پیامبر ﷺ فرموده‌اند:

همانا خداوند عزوجل از شما مباحث جاهلیت را برد؛ در حالی که به پدران مؤمن و متقی و گنهکار شقی تفاخر می‌کردید. شما فرزندان آدم هستید و آدم از خاک است.

آنان که به قومیت خود تفاخر می‌کنند، این کار را رها کنند و بدانند که آن مایه‌های افتخار، جز ذغال جهنم نیستند و اگر آنان دست از این کار نکشند، نزد خدا از سوسک‌هایی که کثافت را با بینی خود حمل می‌کنند، پست‌تر خواهند بود (سجستانی از دی، ۱۴۱۴: جزء ۴، ص ۳۳۱).

امروز مسلمانان نیازمند نگرش کوثری هستند تا در سایه آن، نگرش‌های سخیف و جاهلی تفاخر به حسب و نسب را به برادری، برابری و مساوات تبدیل کنند که این مهم به قرآن و سنت مستند است تا در صفوف آحاد جامعه - از هر دین و مسلکی که باشند، به‌خصوص مسلمانان و نیز بین جوامع مختلف - وحدت و انسجام ایجاد گردد.

در فرهنگ قرآنی، «برتری طلبی»، عملی فرعون‌ی است: ﴿إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا...﴾ (قصص: ۴). این برتری طلبی فرعون، نه به واسطه جایگاه ویژه، بلکه به علت ظلمی بود که بر مردم روا می‌داشت (سیوطی، ۱۴۰۴: ج ۵، ص ۱۱۹). فرعون طغیان کرد؛ زیرا بی‌حد و مرز به ظلم و دشمنی پرداخت (الوسی، ۱۴۱۵: ج ۱۰، ص ۲۵۳). ایجاد تفرقه، ترفند فرعون برای استیلا و استخدام افراد بود (بیضاوی، ۱۴۱۸: ج ۴، ص ۱۷۱). تفکر در این‌گونه آیات، سبب اصلاح نگرش و انگیزه آزادی خواهد بود: ﴿وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾ (قصص: ۵). این آیه بارقه‌های امید را در دل جوامع مستضعف روشن و آن‌ها را به تلاش در جهت تحول و تغییر مصمم می‌کند.

انقلاب ایران، با همین نگرش کوثری و به مدد دو عنصر بزرگ اسلامی «احترام به شخصیت و رشد انسان» و «جلوگیری از نفوذ طاغوت‌ها و قدرتمندان ستمگر جهانی» نضج گرفته و به الگویی برای مسلمانان سایر سرزمین‌ها، از جمله فلسطین، بوسنی، لبنان، عراق و سوریه برای مقابله با طاغوت‌ها و قدرت‌های ظالم بین‌المللی تبدیل گشته است. اگر کرنش و اظهار ضعف از سوی برخی از ملت‌ها نبود و همه ملت‌ها حق خود را می‌شناختند و تلاش می‌کردند زیر بار ظلم‌ها و زورگویی‌های بین‌المللی نروند، این‌ها این‌طور قدرتمند نمی‌شدند (خامنه‌ای، دیدار با اعضای اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان، ۱۳۸۲/۶/۲۶). اگر همه جوامع و ملل مختلف در اقصا نقاط جهان، به دستورهای اسلام مبنی بر عدالت اجتماعی و برابری انسانی پایبند و با نگرش کوثری اسلام آشنا شوند و نگرش خود را بر مساوات و برابری تمام انسان‌ها و مردود دانستن نژاد برتر تنظیم کنند، شاهد تحول رفتاری آن‌ها و نیز



حرکت جوامع به سوی جامعه آرمانی خواهیم بود.

۳. اصلاح نگرش به مقوله آزادی

دولت‌های استعماری، سال‌هاست در قالب مدرنیته و پست‌مدرن، آزادی افسارگسیخته را به عنوان بهترین راه برای افزایش لذت و بهره‌مندی انسان به جوامع القا می‌کنند. این نگرش در سبک زندگی افراد در ابعاد مختلف، مانند پوشش، تنوع طلبی جنسی افسارگسیخته، روابط آزاد زن و مرد نمود یافته است. تبلیغات گسترده و جاذبه‌های متنوع این نگرش تکثری موجب گرایش مردم به این جاذبه‌ها و از بین رفتن قبح آزادی افسارگسیخته در جامعه گردیده است و کارهای سخیفی که در گذشته عار شمرده می‌شد، امروز با افتخار در اجتماع آن‌ها انجام می‌شود! این نگرش تکثری، غفلت افراد و سوء استفاده دولت‌های مستکبر و استعمارگر به منظور تأمین منافعشان را سبب گردیده؛ بی‌تردید چنین نگرشی در فرهنگ قرآنی مطرود است.

در بررسی قرآنی آزادی‌های افسارگسیخته، «ذر = رها کن» یکی از مهم‌ترین کلیدواژه‌ها است: ﴿ذَرَّهُمْ يٰۤاَكُوۡلٰٓيَا وَ يَتَمَتَّعُوۡا وَ يُلٰٓهِبُهُمُ الْاٰمَلُ فَسَوْفَ يَعْلَمُوۡنَ﴾ (حجر: ۳ و انعام: ۷۰). پیامبر ﷺ مأموریت دارد تا «آن‌ها را در زندگی حیوانی محض رها کند؛ زندگی بدون فکر، اندیشه، عاقبت‌اندیشی و آگاهی» (شاذلی، ۱۴۱۲: ج ۴، ص ۲۱۲۶). وقتی انسان نسبت به کام‌گرفتن از لذت‌های مادی، افسارگسیخته شد و همه کوشش خود را برای آن صرف کرد، قهرا از کوشش در دین حق اعراض می‌کند و آن را شوخی و بازیچه می‌پندارد (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۷، ص ۲۰۴). این رویکرد متکثرانه عواقب سوئی دارد. حضرت علی علیه السلام:

ای مردم! ترسناک‌ترین چیزی که از ابتلای شما به آن می‌ترسم، دو چیز است: اول، پیروی از هوای نفس؛ دوم، آرزوی بی‌شمار. اما پیروی از هوای نفس، شخص را از راه حق باز می‌دارد و آرزوی بی‌حساب، آخرت را از یاد می‌برد (آلوسی، ۱۴۰۷: ج ۷، ص ۲۵۷).

امام رضا علیه السلام نیز می‌فرماید:

قطعا هر کس به خدا اقرار نکند، ارتکاب معصیت از سوی او اجتناب‌ناپذیر است و برای ارتکاب به گناهان او پایانی نیست و او برای دستیابی به آنچه تمایل دارد لذت می‌برد، هیچ کس را مراقب نمی‌شمارد. در این امر، تباهی همه آفریدگان نهفته

است؛ تجاوز برخی به دیگری و غضب همسر و فرزندان، اباحه در خونریزی و قتل بی‌دلیل و بی‌گناه، روند دنیا را به خرابی برد و خلق نابود و کشت و نسل فاسد می‌گردد (ابن بابویه، ۱۳۸۵: ج ۱، ص ۲۵۲).

یکی از تحفه‌های آزادی افسارگسیخته «قاچاق انسان» است. هر روز تعداد قابل توجهی از نوجوانان در سراسر جهان به صورت قاچاق جابه‌جا می‌شوند. در این بخش، زنان و دختران بیش‌ترین قاچاق انسانی و جنسی را تشکیل می‌دهند (مک‌کلین، ۲۰۱۱: ص ۲۴۳). قاچاق زنان و نوجوانان برای فحشا و سایر اشکال استثمار جنسی، یکی از مهم‌ترین موارد نقض حقوق بشر در جامعه معاصر به شمار می‌رود (دویدایتیس، ۲۰۱۰: ص ۴۶۲). «از بین رفتن حد و مرز روابط جنسی»، از دیگر نتایج شوم این نگرش است. امروز بسیاری از افراد آزاداندیش، این نگرش را مطرود و آن را نوعی رویکرد خروج از انسانیت می‌دانند و به دنبال نگرشی هستند که آن نگرش آزادی را در بستر انسانیت و ارزش‌مداری تعریف کند. اما متأسفانه امروزه سررشته فرهنگ و چگونگی لباس، پوشش، کیفیت زندگی، نشست و برخاست، اخلاق و معرفت انسان‌های بی‌گناه و بی‌خبر در سرتاسر عالم، در دست عده‌ای است که امواج مسموم فرهنگی را رواج داده و همه را به پذیرش آن مجبور می‌کنند و نمی‌گذارند ملتی سررشته فرهنگ را در دست بگیرند (خامنه‌ای، دیدار با فرماندهان و نمایندگان ولی فقیه نیروی انتظامی، ۱۳۶۸/۳/۲۸). البته مردم ایران با انقلاب اسلامی توانستند در مقابل تمام مستکبران جهان که هرزگی و بی‌بند و باری را ترویج می‌دادند، بایستند و به قوانین روح‌افزای اسلامی روی‌آوردند. نظام اسلام سوق‌دهنده بشر به سوی کمال انسانیت و حیات ابدی او است و البته برنامه‌ای برای سیر حقیقی و کمال روانی بشر برای همیشه جز به وسیله پیامبر ﷺ و تعلیمات قرآن در نظر گرفته نشده و تصور نمی‌شود (حسینی همدانی، ۱۴۰۴: ج ۷، ص ۷۸).

بنابراین، برای دستیابی به زندگی مطلوب، باید از نگرش تکاثری اجتناب کرد و به نگرش کوثری و زندگی براساس ارزش‌ها و حفظ حدود انسانی روی آورد. این تغییر نگرش تأثیرگذار، به طور کامل در حکومت ولی عصر علیه السلام تحقق خواهد یافت و انقلاب اسلامی ایران زمینه‌ساز این حرکت مبارک بوده است.

۴. تغییر نگرش از کثرت‌طلبی به معنویت‌گرایی

از آثار شوم مدرنیته و پست‌مدرن، «منفعت‌طلبی» و «کثرت‌گرایی» است. این خصیصه یکی



از پیامدهای نگرش تکاثری است که انسان را به حفظ منافع خود و بی تفاوتی نسبت به سرنوشت و منافع دیگران سوق می‌دهد. این رویکرد، با توسل به تبلیغات پرزرق و برق، راه اشتدادطلبی مادی را به روی انسان می‌گشاید. در قرآن، زیاده طلبی با کلیدواژه «جمع» و «تکاثر» قابل بررسی است: ﴿وَجَمَعَ فَأَوْعَى﴾ (معارج: ۱۸) و همچنین ﴿الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ﴾ (همزه: ۲). روحیه تکاثری موجب می‌شود انسان به سبب حرص، حلال و حرام را ملاحظه نکند و به جمع‌آوری مال بپردازد و وظایف و حقوق مالی خود را انجام ندهد و درازی آرزو، او را از دین بازدارد (ابوالسعود، ۱۹۸۳: ج ۹، ص ۳۲ و حسینی شاه‌عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ج ۱۳، ص ۳۱۱). چنین فردی به واسطه جمع کردن مال دچار عجب می‌شود؛ مردم را کوچک می‌شمارد و آن‌ها را مسخره می‌کند. این، در حالی است که او ناچیزی و کم‌بهایی مال را نمی‌شناسد؛ وگرنه شخص عاقل به شیء کم‌ارزشی مانند مال افتخار نمی‌کند (خازن، ۱۴۱۵: ج ۴، ص ۴۶۹). روحیه متکثرانه باعث افزایش دلبستگی فرد به دنیا می‌گردد و فرد نیز به آرزوهای دور و دراز مشغول می‌شود و دیگر به رفع حوایج ضروری زندگی قانع نمی‌گردد، لذا هر قدر مالش زیادتر شود، حرصش بیش‌تر می‌گردد و این حرص تا بی‌نهایت ادامه خواهد یافت. چنین فردی می‌پندارد، مال، او را در دنیا جاودان می‌سازد و چون جاودانگی و بقای خود را دوست می‌دارد، تمام هم‌ش را صرف جمع کردن مال و شمردن آن می‌کند و وقتی که مال و ثروتی فراوان برای او جمع شد و خود را بی‌نیاز احساس کرد؛ یاغی‌گری می‌کند، بر دیگران تفوق و استعلا می‌ورزد (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۲۰، ص ۶۱۶)؛ در حالی که پیامبران، با نگرش تکاثری و خودخواهی و برتری‌جویی مبارزه می‌کردند؛ مردم را به کوثر قناعت فرا می‌خواندند؛ انسان را به مهار کردن غریزه افزون‌خواهی و سلطه‌جویی تشویق می‌کردند و مردم از تباه‌شدن و هرز رفتن استعدادها و غلتیدن در لجنزار فساد اخلاقی برحذر می‌داشتند (خامنه‌ای، سخنرانی در چهل و دومین مجمع عمومی سازمان ملل، ۱۳۶۶/۶/۳۱).

لازمه تغییر در دلبستگی‌های مادی و کاستن از این دلبستگی‌ها، نزدیک‌شدن به نگرش کوثری است. در نگرش تکاثری، مادی‌گرایی به زندگی پست مادی منحصر است؛ در حالی که در نگرش کوثری، تمتع از دنیا باید فقط به اندازه نیاز باشد و افراد باید به آخرت و زندگی ابدی خود نیز بیندیشند و برای آن آمادگی کسب کنند:

﴿زَيْنٌ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَ

الْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرْثِ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَأْبَإِ ﴿آل عمران: ۱۴﴾.

از نظر مردم حبّ شهوات نفسانی، از میل به زنها و فرزندان و همیان‌هایی از طلا و نقره و اسب‌های نشان‌دار و نیکو و چهارپایان و مزارع، زیبا و دل‌فریب است اما این‌ها متاع زندگانی دنیاست و نزد خداست منزل بازگشت نیکو.

در انسان، میل به این شهوات جزئی، از امور «تکوینی» و اصیل انسانی محسوب می‌شود و قابل انکار نیست. شهوات برای بقای نسل ضروری است؛ اما انسان باید مراقب باشد از حد آن تجاوز نکند و دچار طغیان نشود تا بتواند در زندگی معنوی هم پیشرفت کند (قطب، ۱۴۲۵: ج ۱، ص ۳۷۴). گرایش تکاثری، دستاورد فریب‌خوردن انسان در برابر تمایلات و لذایذ مادی و فراموشی آخرت و عدم تشخیص امور مهم از امور بی‌اهمیت و کم‌اهمیت است. لذا امر بر او مشتبه شده و فراموش می‌کند که لذایذ مادی، وسیله و متاعی برای زندگی موقت در دنیا و مقدمه‌ای است برای رسیدن به مقصود که عبارت است از «حسن‌مأب» و «عاقبت نیکو». (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۳، ص ۱۴۸). بدون شک غرق‌شدن انسان در شهوات دنیا و نفسانیات و پایمال کردن گرایش‌های فطری، موجب دورماندن وی از بصیرت و عدم عبرت‌پذیری می‌شود و در نتیجه از لذات معنوی و متعالی باز می‌ماند (قطب، ۱۴۲۵: ج ۱، ص ۳۷۳). اما اگر نگرش، کوثری باشد، دیگر کسب مال، مایه افتخار و مباهات نیست. مبدأ میل انسان که عوض شود، متناسب با آن، رفتار نیز عوض می‌شود:

و آنچه به شما داده شده، متاع زندگی دنیا و زینت آن است و آنچه نزد خدا است، بهتر و پایدارتر است آیا اندیشه نمی‌کنید؟! (قصص: ۶۰).

اسباب دنیا از مال و خدم و حشم برای بهره‌بردن از آن‌ها و زینت زندگی دنیا است و منافع آخرت برای کسانی که به خدا و رسولش ایمان دارند، از منافع دنیوی بزرگ‌تر و بادوام‌تر است (نووی، ۱۴۱۷: ج ۲، ص ۲۰۳). لذا بسته به اراده انسان، زینت زندگی دنیا می‌تواند مصدر خیر، رفعت و عزت یا مصدر شر، سقوط و خواری گردد (ابوزهره، بی‌تا: ج ۳، ص ۱۱۳۱). یادآوری این آموزه‌های ناب قرآنی، سبب اصلاح نگرش افراد نسبت به دنیا، کسب مال و شهرت و عنوان می‌شود و نوع نگاه تعاملات وی را نسبت به آن‌ها تغییر می‌دهد. تغییر نگرش از کثرت‌طلبی به معنویت‌گرایی، منشأ انفاق‌ها، ایثارها و بخشش‌ها می‌شود و



همکاری افراد را بهبود می‌بخشد. قرآن در معرفی راه رستگاری می‌فرماید:
 ﴿فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ وَأَسْمِعُوا وَأَطِيعُوا وَأَنْفِقُوا خَيْرًا لِّأَنْفُسِكُمْ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ
 نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ پس تا آنجا که می‌توانید از خدا بترسید و بشنوید و
 اطاعت کنید و اگر انفاق کنید برای خودتان بهتر است و کسانی که موفق شده باشند
 از بخل نفسانی خویشتن را حفظ کنند چنین کسانی رستگارند (تغابن: ۱۶).

هرگونه تلاش و توان در تقوا و انفاق مال و نگهداری نفس از حرص‌ورزی، برای افراد، از
 روی آوردن به اموال، اولاد، دوستی شهوات و لذت‌های فانی دنیا بهتر است (کاشانی، ۱۴۲۳:
 ج ۷، ص ۸۵).

این رویکرد و تربیت قرآنی، انسان را به جایی می‌رساند که نه تنها نسبت به جمع‌آوری
 اموال حرص نمی‌ورزد، بلکه با وجود شدت نیاز مادی، در دل به بی‌نیازی رسیده و آنچه را
 خود نیاز دارد، به دیگران انفاق می‌کند و این اوج تعاون بین افراد جامعه است. اگر این رویکرد
 در جامعه حاکم گردد، سبب تحول و تشکیل جامعه مطلوب جهانی خواهد شد.
 ﴿... وَ لَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِّمَّا أُوتُوا وَ يُوَثِّرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَ لَوْ كَانَ
 بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَ مَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ (حشر: ۹).

شدیدتر از بخل «شُح» است و علاوه بر حبس اموال و حرص‌ورزی نسبت به آن توسط
 فرد، راه ورود مال حرام را به اموالش باز کرده و از پرداخت زکات اموالش امتناع می‌ورزد
 (سیوطی، ۱۴۰۴: ج ۶، ص ۱۹۶). شُح نفس، راه هرگونه خیر را بر انسان می‌بندد؛ برای این‌که
 خیر، در اشکال مختلف بذل و بخشش، از جمله بذل مال، بذل عاطفه، بذل تلاش و حتی
 بذل حیات، در صورت اقتضا است که البته و طبعاً «شحیح»، به خاطر حرص، از انواع آن بی-
 بهره می‌ماند (شاذلی، ۱۴۱۲: ج ۶، ص ۳۵۲۷).

نگرش تکاثری، ریشه دیگرگرایی و نوع‌دوستی را در انسان می‌خشکاند. در مقابل، در
 نگرش کوثری، ملاک و معیار انسانیت، توجه به منافع دیگران و حقوق هم‌نوع است که به
 عنوان یکی از شاخصه‌های لازم تحقق جامعه مهدوی مطرح است. امام زمان علیه السلام می‌فرماید:
 اگر شیعیان ما ... در راه ایفای پیمانی که بر دوش دارند، همدل می‌شدند، میمنت
 ملاقات ما از ایشان به تأخیر نمی‌افتاد (طبرسی، ۱۴۰۳: ج ۲، ص ۴۹۹).

برای این‌که جامعه جهانی برای جامعه آرمانی موعود آماده گردد، باید نگرش انسان‌ها از

«خودخواهی» به «خداخواهی» تغییر یابد که نتیجه‌اش دیگرخواهی و توجه به منافع دیگران می‌شود و حاصل آن «تألیف قلوب» است. انقلاب اسلامی ایران، نمونه‌ی موفقی از تمرین تعاون اجتماعی است.

۵. تغییر نگرش، از شهرت‌طلبی به گمنامی و خدمت به مردم

در اخلاق اسلامی، «شهرت‌طلبی» و «جاه‌طلبی» در مقابل «خمول» و «گمنامی» قرار می‌گیرد. شهرت‌طلبی از منظر اسلام مورد نکوهش است و گمنامی شعبه‌ای از زهد و پارسایی به حساب می‌آید (غزالی، ۱۳۸۳: ج ۲، ص ۱۸۹). شهرت‌طلبی از لوازم نگرش تکاثری است. «شهرت» در لغت به معنی معروف‌شدن و شهرت‌طلبی یعنی تلاش برای قدر و منزلت پیدا کردن است. (دیگشنری آبادیس) سلبریتی عنوانی است برای افراد مشهوری که مورد توجه دیگران هستند و گاهی نقش الگویی برای دیگران، به خصوص نوجوانان و جوانان دارند. زندگی این افراد مشهور، از طریق رسانه‌ها و تبلیغات اجتماعی مطرح می‌شود. شاید در زبان قرآن سلبریتی همان «ولیعجه» باشد. «ولیعجه» یا «بطانه‌الرجل» کسی است که به او اعتماد و تکیه می‌شود (بندرریگی، ۱۳۹۲: ج ۲، ص ۱۰۵۶). مشکل شهرت‌طلبی وقتی بیش‌تر می‌شود که در قالب ریاست‌طلبی نمود پیدا کرده و فرد در پی آن باشد که افراد را پشت‌سر خود جمع کرده و الگوی آنان قرار بگیرد. امام صادق علیه السلام فرمودند:

همانا بدترین شما ریاست‌طلبان هستند؛ کسانی که مردم را اطراف خودشان جمع می‌کنند و گردن‌فرازی و شهرت‌طلبی و مورد توجه‌بودن را دوست دارند و هرگز آن‌ها جز دروغگو یا سست‌رأی نیستند.

طبق این بیان، «ولائج»، همان ریاست‌طلبانی هستند که بدون لیاقت و داشتن شرایط رهبری، خود را در این جایگاه قرار داده و با دروغ و نیرنگ پیش آمده‌اند. امام علی علیه السلام چنین ولائجی را از موجبات عقب‌گرد امت اسلامی می‌شمرد: «وقتی خداوند، رسولش صلی الله علیه و آله و سلم را گرفت، مردم عقب‌گرد کرده و راه‌های خود را از دست داده و بر ولائج تکیه کردند...» (رضی، ۱۴۱۴: ص ۲۰۹). از همین‌رو، امام صادق علیه السلام با توجه به اهمیت نسل نوجوان و جوان و تأثیرپذیری آنان از ولائج، می‌فرماید:

... لَّا تَتَّخِذُوا الرَّجَالَ وَّلِيَّةً مِّنْ دُونِ اللَّهِ: ای گروه نوجوانان! تقوای خدا را پیشه کنید و دیگران را به ریاست برنگزینید تا شما را به دنباله‌روی خود نکشاند. کسی

غیر از خدا را به عنوان ولیجه اختیار نکنید (طبرسی، ۱۳۸۵: ص ۳۳۴).

دلیل نهی حضرت از رفتن به سمت ریاست‌طلبان، مذموم‌بودن و منفوربودن این رذیله است و هرچه افراد، به‌خصوص جوانان بیش‌تر گرد این ریاست‌طلبان جمع کردند، بیش‌تر احساس قدرت و ریاست کرده و بیش‌تر به ظلم و تعدی خواهند پرداخت.

شهرت‌طلبی و ریاست‌طلبی، همانند شمشیر دو لبی است که هم خود فرد و هم کسانی را که به او روی آورده‌اند، تهدید می‌کند. لذا خداوند انتخاب و پذیرش ولیجه را از بزنگاه‌های مهم ابتلا معرفی کرده است و می‌فرماید: ﴿... وَ لَمْ يَتَّخِذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَا رَسُولِهِ وَلَا الْمُؤْمِنِينَ وَلِجَنَّةٍ﴾ (توبه: ۱۶). بنابراین، ریاست‌طلبی و پذیرش ریاست دیگران، هردو محل دقت و تأمل است. این که آیا افراد به چه کسانی اعتماد می‌کنند و چه کسانی را الگو و محل رجوع خود قرار می‌دهند، موضوع آزمایش ویژه خداوند است. و لایح مورد تأیید خداوند در آیه مذکور انبیا و اولیای خاص، از جمله اهل بیت علیهم‌السلام هستند (هلالی، ۱۴۱۶: ص ۴۲۷). در دعای روز عید غدیر آمده است:

رَضِينَا بِهِمْ أَمَّةً وَ قَادَةً وَ سَادَةً وَ حَسْبُنَا بِهِمْ بَيِّنَاتٌ وَ بَيْنَ اللَّهِ دُونَ خَلْقِهِ لَا نَبْتَغِي بِهِمْ بَدَلًا وَ لَا نَتَّخِذُ مِنْ دُونِهِمْ وَلِجَنَّةٍ (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۹۵، ص ۲۹۹).

لذا شهرت‌طلبی و ریاست‌طلبی از دیدگاه اسلام امری مذموم و یکی از پیامدهای نگرش تکاثری است. نگرش ریاست‌طلبی از دو جهت نیازمند تغییر است: یکی از جانب ریاست‌طلب که این رذیله را ترک کند و دیگری نگرش آحاد جامعه است. آحاد جامعه باید به این بلوغ فکری برسند که ریاست‌طلب قابل اعتماد نیست، مگر این که کسب ریاست واقعاً و حقیقتاً در مسیر خدا و خاندان پیامبرش باشد. این تغییر نگرش، افراد را به سوی ولی معصوم یا جانشین او هدایت و زمینه تحقق حکومت مهدوی را فراهم می‌کند و برعکس، دنباله‌روی از ریاست-طلبان، انسان را از سعادت دنیا و آخرت دور می‌سازد و جامعه را به قهقرا می‌برد. گمنامی، در مقابل شهرت‌طلبی و ریاست‌طلبی مطرح می‌شود. گمنامی و خمول شعبه‌ای از زهد، از صفات مؤمنان مقرب و نیز از نشانه‌های اهل بهشت است و خدا صاحب آن را دوست دارد (کراچکی، بی‌تا: ۱۳۷).

در مقابل سلبریتی‌های شهرت‌طلب - که در بسیاری موارد خودشان از جاده هدایت دور شده و دیگران را نیز به انحراف می‌کشانند - افرادی هستند که به دنبال گمنامی‌اند.

پیامبر ﷺ اهل تقوای گمنام را تمجید کرده و می‌فرماید:

أَحَبُّ الْعِبَادِ إِلَى اللَّهِ الْأَتْقِيَاءُ الْأَخْفِيَاءُ الَّذِينَ إِذَا غَابُوا لَمْ يُفْتَقَدُوا وَإِذَا شَهِدُوا لَمْ يُعْرَفُوا (ورام، ۱۴۱۰: ج ۱، ص ۱۵۶)؛ محبوب‌ترین بندگان نزد خدا پرهیزگاران در نهانند کسانی که هرگاه پنهان باشند کسی بدنبال آن‌ها نیست و هرگاه در بین مردم هستند کسی آنان را نشناسد.

همچنین می‌فرماید:

آن که به شهرت و آوازه دست تواند یافت، بر گمنامی پایداری ورزد و آن که می‌تواند محبوب مردم باشد، بر بدخواهی آنان صبر کند... (ابن شعبه حرانی، ۱۳۸۲: ص ۱۰۱).

گمنامی و گمنام‌بودن در سیره ائمه و مسلمانان از اهمیت و فضیلت والایی برخوردار بوده است.

بزرگان دینی نیز، گمنامی را شعبه‌ای از خلوص در عمل و نیت دانسته و همواره برای تقرب به خدا از آن بهره جسته‌اند. این ویژگی سبب می‌شود فرد، حداکثر توانش را در تحقق آرمان‌هایش - نه کسب شهرت - به کارگیرد. افراد گمنام به کارهایشان رنگ خدایی می‌زنند و هیچ اسم و رسمی از خود به جای نمی‌گذارند:

«صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً وَتَحْنُّ لَهُ عَابِدُونَ» (بقره: ۱۳۸)؛ بدعت‌گذاران و پیروان هوس‌ها، رنگ هوس‌های خودشان را دارند؛ اما یکتاپرستان، تنها رنگ خدا را دارند که هیچ رنگی از آن برتر نمی‌باشد (مغنیه، ۱۳۷۸: ج ۱، ص ۳۹۶).

تحقق نگرش «ارزش‌بودن گمنامی» در جامعه، زمینه رویش نیروهای مخلص را فراهم می‌کند که دور از شهرت، کارهای عظیمی را پیش خواهند برد. در انقلاب اسلامی ایران، شاهد رشد نهال پُرثمر «بسیج» بودیم که در همه زوایای کشور ثمربخش شد (خامنه‌ای، بیانات در جمع یکصد و ده هزار نفر از نیروهای بسیجی، ۱۳۸۰/۸/۲۱). با تغییر نگرش آحاد جوامع از شهرت‌طلبی به گمنامی، می‌توان شاهد آثار ارزشمندی در جامعه بود و با تحقق آن در تمام جوامع، زمینه برای شکل‌گیری جامعه مطلوب جهانی مهیا خواهد شد.



۶. تغییر نگرش از مرزبندی جغرافیایی به مرزبندی ایمانی

مرزبندی و تقسیمات جغرافیایی کشورها امری قراردادی و از نگرش تکثری متأثر است. اسلام با نگرش کوثری، یکپارچگی امت اسلامی، بلکه یکپارچگی همه انسان‌ها را مورد تأکید قرار داده است:

[در آغاز] همه مردم امت واحدی بودند؛ سپس اختلاف کردند... (یونس: ۱۹). ﴿... إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ...﴾ (حجرات: ۱۳).

حدود کشور اسلامی «مرز جغرافیایی» نیست، بلکه «اعتقاد» است. اسلام مقوله تأثیر انشعاب قومی، در پدید آمدن اجتماع را مردود می‌داند؛ یعنی اجازه نمی‌دهد جمعیتی که در قومیت واحدند، خود را از سایر اقوام جدا و برای خود مرز جغرافیایی تعیین کنند و متمایز شوند. ﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِلنَّاسِ...﴾: ما تو را برای هدایت گروه خاص و یا کشور و سرزمین محدودی نفرستادیم، بلکه تو رسول ما بر همه انسان‌ها هستی (سباء: ۲۸).

آرمان نهایی اسلام در مناسبات انسانی و زمین، رسیدن به امت واحد بشری و از میان رفتن مرزهای جغرافیایی و به وجود آمدن کشور واحد جهانی، تحت حاکمیت قانون واحد الهی است. هدف رسالت پیامبر ﷺ سرعت بخشیدن به روند حرکت تکاملی جامعه بشری برای رسیدن به این مرحله ایده‌آل و نهایی است (زنجانی، ۱۴۲۱: ج ۳، ص ۱۴۷). پیامبر ﷺ در زمینه حکومت مهدوی فرمود:

أبشركم بالمهدی یبعث فی امتی علی اختلاف من الناس و زلزال، یملاً الارض عدلاً و قسطاً كما ملئت جوراً و ظلماً، یرضی عنه ساکن السماء و ساکن الارض، یقسم المال صحاحاً، ای بالسویة بین الناس و یملاً الله قلوب امّة محمد ﷺ غنی و یسعهم عدله (ابن طاووس، ۱۳۷۴: ص ۳۵۱).

از آسیب‌های جوامع پیش از ظهور، گسست اجتماعی و واگرایی‌ای است که بر آن جوامع غالب می‌شود (نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۲۰۶). اسلام با «عصیبت جاهلی» در هر شکل آن مبارزه کرده است، تا مسلمانان جهان را از هر نژاد و قوم و قبیله‌ای، زیر پرچم واحدی جمع‌آوری کند (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴: ج ۲۲، ص ۲۰۲).

در اسلام، «دارالکفر» و «دارالاسلام» مطرح است. «دارالاسلام» همه انسان‌های معتقد به

مبانی اسلامی را در بر می‌گیرد؛ هرچند از نظر خاک، رنگ، نژاد و زبان مختلف باشند. «دارالکفر» نیز تمامی انسان‌های غیرمسلمان (از هر فرقه و دسته) را شامل می‌گردد (عمید زنجانی، ۱۳۶۵: ص ۲۹). لذا هر جا کفر در آن غالب باشد، «دارالکفر» و هر جا اسلام در آن غالب باشد و نه ایمان، «دارالاسلام» به شمار می‌آید (نجف‌آبادی، ۱۴۰۹: ج ۱، ص ۲۳). در اندیشه اسلامی، افراد بشر، برادران و خواهران یکدیگر و همه بندگان خدایند. میان نژادها، رنگ‌ها و مردم سرزمین‌ها تفاوتی وجود ندارد. انسانیت پیوسته است. تعرض به یک انسان در هر نقطه‌ای از زمین، تجاوز به همه انسان‌هاست و خصوصیات جغرافیایی و نژادی در قبح این تعدی، نقشی ندارد (خامنه‌ای، سخنرانی در چهل و دومین مجمع عمومی سازمان ملل، ۱۳۶۲/۶/۳۱). با استقرار دولت عدل جهانی، دیگر در دنیا جز شهروند جهانی نخواهیم داشت. یک شهر است و آن «جهان» است و یک شهروند است و آن «شهروند جهانی» است (رحیم‌پور ازغدی، ۱۳۸۹: به نقل از سایت bookroom).

هدف مشترک، مصلحت مشترک، مسیر واحد و... سبب وحدت می‌شود؛ به شرط این‌که ایدئولوژی واحدی وجود داشته باشد که همه به آن پایبند باشند. در این صورت، جهت‌گیری همه یکسان خواهد بود. اعتصام به قرآن، وحدت را محقق می‌کند (مدرسی، ۱۴۱۹: ج ۱، ص ۶۲۷). تقوای الهی و مراقبت لحظه به لحظه زندگی و برادری در راه خدا، جماعت مسلمانان را به مجموعه‌ای قوی و بالنده تبدیل می‌کند که این مجموعه، بشر را در اجرای وظایف تأثیرگذار در حیات بشری توانا می‌سازد (شاذلی، ۱۴۱۲: ج ۱، ص ۴۴۱). لذا پیامبر ﷺ توصیه می‌فرماید: «لا تقاطعوا و لا تدابروا و لا تحاسدوا و لا تباغضوا و کونوا عباد الله إخوانا» (میبیدی، ۱۳۷۱: ج ۲، ص ۲۳۱). مرزهای جغرافیایی مانع همیاری در بسیاری از موارد می‌شود. وضعیت نابسامان اقتصادی (مثلاً یمن، احساس مسلمانان را برای استمداد و مساعدت برمی‌انگیزد؛ اما مرزهای جغرافیایی و قوانین محدودکننده بین‌المللی، مانع اجرایی شدن آن است.

استراتژی وحدت جهان اسلام و همبستگی ملت‌های مسلمان جهان را می‌توان برای اندیشه حکومت جهانی که بر عقیده به ظهور دولت عدل حضرتش ﷺ و اصل «انتظار فرج» مبتنی است نیز، تفسیر دیگری دانست که از بینش انقلابی در تشیع مایه می‌گیرد. جمهوری اسلامی ایران، الگوی این اتحاد را در داخل کشور بین قومیت‌های مختلف و مذاهب متعدد



اسلامی با شیوه‌های قانونی برقرار کرده که خود، نشان‌دهنده امکان تحقق آن در قلمرو وسیع «دارالاسلام» است (زنجانی، ۱۴۲۱: ج ۱، ص ۲۴۰-۲۴۱). حضرت زهرا علیها السلام فرمود:

عدالت سبب هم‌آهنگی قلوب و اطاعت از ما سبب نظم و استحکام ملت و امامت ما نجات از تفرقه و پراکندگی است (طبرسی، ۱۴۰۳: ج ۱، ص ۹۹).

پس نگرش به ضرورت مرزهای ایمانی، به جای مرزهای جغرافیایی، زمینه‌ساز حکومت عدل مهدوی خواهد بود.

به برکت انقلاب اسلامی ایران، این نگرش در جهان در حال شکل‌گیری است و نمونه‌ی بارز آن حضور مدافعان حرم در سوریه است:

حضور رزمندگان شیعه و سنی در دفاع از حرم اهل بیت علیهم السلام، نشان از اتحاد و یکپارچگی مذاهب اسلامی و نیز محبت اهل بیت علیهم السلام در قلب تمامی مسلمانان دارد (ماموستا نوری، ۱۳۹۵: کدخبر: ۸۹۶).

مدافعان حرم بدون در نظر گرفتن مرزهای جغرافیایی، از ملت‌های مختلف برای دفاع از حریم اهل بیت علیهم السلام گردهم آمده‌اند. این افراد بیش‌تر از کشورهای ایران، یمن، افغانستان، عراق، سوریه و لبنان هستند. پس اگر مسلمانان خود را امت واحد ببینند و خود را در مرزهای جغرافیایی محصور نبینند، آن‌گاه اقدامات شایسته و مؤثری می‌توانند سامان دهند و از این رهگذر، زمینه تشکیل جامعه مطلوب آرمانی مهدوی فراهم خواهد شد.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش مهم‌ترین تغییر نگرش‌هایی که لازمه دستیابی به جامعه مطلوب جهانی است، بررسی و ذیل هر مورد، به انقلاب اسلامی ایران به عنوان نمونه عینی تحول، براساس تغییر نگرش اشاره شد. تبیین گردید هر مشکل و ناکامی‌ای که جوامع و افراد با آن روبه‌رو هستند، ناشی از نگرش «تکثری» است و لذا برای رسیدن به جامعه مهدوی، باید به نگرش‌های «کوثری» دست یافت. از مهم‌ترین نگرش‌های کوثری، نگرش به آزادی و استقلال است. انقلاب اسلامی ایران، آغازگر این حرکت مبارک است که جهان اسلام، بلکه همه انسان‌ها را وارد پیچ تاریخی مهمی کرده است.

دومین نگرش کوثری، نگرش به «مساوات انسانی» است. هر کجا پیام انقلاب اسلامی به آن رسیده است، این تحولات در آن‌ها به وضوح به چشم می‌خورد.

سومین نگرش کوثری، «پذیرش حدود و ارزش‌ها» است. این نگرش برای دستیابی به زندگی مطلوب ضروری است. لذا بایستی ملت‌ها و دولت‌ها، زندگی را براساس ارزش‌ها و حفظ حدود انسانی تعریف کنند. انقلاب اسلامی ایران زمینه‌ساز این حرکت مبارک معرفی گردیده است.

چهارمین نگرش کوثری، «معنویت‌گرایی» است تا بر اثر آن، جامعه در عمل شاهد تألیف قلوب باشد.

پنجمین نگرش کوثری، «گمنامی» است تا فرد حداکثر توانش را فقط در خدمت تحقق آرمان خود به کارگیرد، نه کسب شهرت.

ششمین نگرش کوثری، «مرزبندی ایمانی» به جای «مرزبندی جغرافیایی» است. این نگرش استراتژی، عامل وحدت جهان اسلام و همبستگی ملت‌های مسلمان جهان خواهد بود که می‌تواند برای اندیشه حکومت متحد جهانی که برخاسته از عقیده به ظهور دولت عدل حضرتش ﷺ و اصل «انتظار فرج» است، مؤثر باشد. جمهوری اسلامی ایران، به عنوان الگوی این اتحاد در داخل کشور، بین قومیت‌های مختلف و مذاهب متعدد اسلامی معرفی گردید که نشان دهنده امکان تحقق این اتحاد در قلمرو وسیع «دارالاسلام» است.



منابع

قرآن کریم

١. ابن ابی زینب، محمد بن ابراهیم (١٣٧٩). *الغیبة نعمانی*، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران، صدوق.
٢. ابن بابویه، ابی جعفر محمد (١٣٦٣). *کمال الدین و تمام النعمة*، قم، مؤسسه نشر اسلامی.
٣. ابن بابویه، محمد بن علی (١٣٧٦). *الامالی*، تهران، کتابچی.
٤. _____ (١٣٧٩). *ثواب الأعمال و عقاب الأعمال*، قم، بندر ریگی.
٥. _____ (١٣٨٥). *علل الشرائع*، قم، بی نا.
٦. _____ (١٤١٣ق). *من لا یحضره الفقیه*، قم، بی نا.
٧. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (١٣٨٢ق). *تحف العقول*، ترجمه: صادق حسن زاده، قم، آل علی.
٨. ابن طاووس، علی بن موسی (١٣٧٤). *الطرائف*، داود الهامی، قم، نوید اسلام.
٩. ابن عاشور، محمد طاهر (١٤٢٠ق). *تفسیر التحریر و التنویر المعروف بتفسیر ابن عاشور*، بیروت، مؤسسه التاریخ العربی.
١٠. ابن عربی، محمد بن علی (١٤٢٢ق). *تفسیر ابن عربی* (تأویلات عبدالرزاق)، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
١١. ابن عطیه، عبدالحق بن غالب (١٤٢٢ق). *المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز*، بیروت، دار الکتب العلمیه.
١٢. ابن منظور، محمد بن مکرم (١٤١٤ق). *لسان العرب*، بیروت، دار صادر.
١٣. ابوالسعود، محمد بن محمد (١٩٨٣م). *تفسیر ابی السعود* (ارشاد العقل السلیم الی مزایا القرآن الکریم)، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
١٤. ابوزهره، محمد (بی تا). *زهرة التفاسیر*، بیروت، دار الفکر.
١٥. ابی، منصور بن حسین (١٤٢٤ق). *نثر الدر فی المحاضرات*، تحقیق: خالد عبدالغنی محفوظ، بیروت، دار الکتب العلمیه.
١٦. احمدی، عسگری ده آبادی، سید علی اکبر، حمیدرضا (١٣٩٣). *مدیریت اخلاق کسب و کار*، تهران، کتاب مهربان.
١٧. ازهری، محمد بن احمد (بی تا). *تهذیب اللغة*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
١٨. آلوسی، سید محمود (١٤١٥ق). *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*، تحقیق: علی عبدالباری عطیه، بیروت، دار الکتب العلمیه.
١٩. (منسوب به) امام جعفر صادق علیه السلام (١٣٦٠). *مصباح الشریعة*، تهران، مصطفوی.
٢٠. بندر ریگی، محمد (١٣٩٢). *المعجم الوسیط*، تهران، اسلامی.

۲۱. بیضاوی، عبدالله بن عمر (۱۴۱۸ق). *أنوار التنزیل و أسرار التأویل*، تحقیق: محمد عبدالرحمن المرعشلی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۲۲. پانی پتی، ثناء الله (۱۴۱۲ق). *التفسیر المظهری*، پاکستان، مکتبه رشديه.
۲۳. جزائری، نعمت الله بن عبد الله (۱۳۸۱). *قصص الأنبياء*، تهران، بی نا.
۲۴. _____ (۱۳۸۰). *داستان پیامبران یا قصه های قرآن از آدم تا خاتم*، تهران، هاد.
۲۵. جعفری، محمد تقی (۱۳۷۰). *حقوق جهانی بشر از دیدگاه اسلام و غرب*، تهران، دفتر خدمات حقوق بین الملل جمهوری اسلامی ایران.
۲۶. حسینی همدانی، سید محمد (۱۴۰۴ق). *انوار درخشان*، تحقیق: محمد باقر بهبودی، تهران، کتابفروشی لطفی.
۲۷. خازن، علی بن محمد (۱۴۱۵ق). *تفسیر الخازن المسمی لباب التأویل فی معانی التنزیل*، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۲۸. خطیب، عبدالکریم (۱۴۲۴ق). *التفسیر القرآنی للقرآن*، بیروت، دارالفکر العربی.
۲۹. دوانی، علی (۱۳۷۸). *مقدمه بحار الانوار*، ج ۵۱، تهران - اسلامیه.
۳۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). *مفردات ألفاظ القرآن*، بیروت، دارالقلم.
۳۱. رحیم پور ازغدی حسن (۱۳۸۹). *مهدي ﷺ ده انقلاب در یک انقلاب*، تهران، طرحی برای فردا.
۳۲. سجستانی ازدی، سلیمان بن اشعث (۱۴۱۴ق). *سنن أبی داود*، شرح: جلال الدین سیوطی، حاشیه امام السندی، بیروت، مکتب المطبوعات الاسلامیه.
۳۳. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۴۰۴ق). *الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور*، قم، کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمته.
۳۴. شاذلی، سید بن قطب بن ابراهیم (۱۴۲۵ق). *فی ظلال القرآن*، بیروت - قاهره، دارالشروق.
۳۵. شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ق). *نهج البلاغه*، صبحی صالح، قم، هجرت.
۳۶. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). *وسائل الشیعه*، قم، بی نا.
۳۷. صادقی تهرانی، محمد (۱۴۰۹ق). *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن*، قم، انتشارات فرهنگ اسلامی.
۳۸. صاوی، احمد بن محمد (۱۴۲۷ق). *حاشیه الصاوی علی تفسیر الجلالین*، بیروت، دارالکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون.
۳۹. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۴). *المیزان فی تفسیر القرآن* سید محمد باقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۴۰. طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳ق). *الإحتجاج علی أهل اللجاج*، تحقیق: محمد باقر خراسان، مشهد، مرتضی.

۴۱. طبرسی، علی بن حسن (۱۳۸۵ق). *مشكاة الأنوار فی غرر الأخبار*، نجف، بی نا.
۴۲. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۶۰). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، محقق: رضا ستوده، تهران، فراهانی.
۴۳. طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵). *مجمع البحرین*، تهران، مرتضوی.
۴۴. الامام العسکری، حسن بن علی علیه السلام (۱۴۰۹ق). *التفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن العسکری علیه السلام*، تحقیق: مدرسه امام مهدی، قم، مدرسه امام مهدی علیه السلام.
۴۵. عمید زنجانی، عباسعلی (۱۴۲۱ق). *فقه سیاسی*، تهران، امیرکبیر.
۴۶. غزالی، محمد بن محمد (۱۳۸۲). *کیمیای سعادت*، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۴۷. فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق). *مفاتیح الغیب*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۴۸. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ق). *کتاب العین*، قم، هجرت.
۴۹. فضل الله، سید محمد حسین (۱۴۱۹ق). *تفسیر من وحی القرآن*، بیروت، دار الملائک للطباعة و النشر.
۵۰. قرائتی، محسن (۱۳۸۳). *تفسیر نور*، تهران، مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن.
۵۱. قرشی، سیدعلی اکبر (۱۳۷۷). *تفسیر احسن الحدیث*، تهران، بنیاد بعثت.
۵۲. قطب الدین راوندی، سعید بن هبه الله (۱۴۱۹ق). *الخرائج و الجرائح*، قم، بی نا.
۵۳. کاوی، استفان (۱۳۹۵). *هفت عادت مردمان مؤثر*، مترجم: الهام خورسندی، تهران، هورمزد.
۵۴. کاشانی، فتح الله بن شکر الله (۱۴۲۳ق). *زبدة التفاسیر*، قم، مؤسسه المعارف الإسلامیة.
۵۵. کراچکی، محمد بن علی (بی تا). *نزهة النواظر*، مترجم: معدن الجواهر، تهران، اسلامیه.
۵۶. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). *الکافی*، تهران، اسلامیه.
۵۷. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق). *بحار الأنوار*، بیروت، احیاء التراث العربی.
۵۸. مدرسی، سید محمد تقی (۱۴۱۹ق). *من هدی القرآن*، تهران، دار محبی الحسین.
۵۹. مراغی، احمد مصطفی (بی تا). *تفسیر المراغی*، بیروت، دار الفکر.
۶۰. مغنیه، محمد جواد (۱۴۲۵ق). *التفسیر المبین*، قم، دارالکتاب الإسلامی.
۶۱. _____ (۱۳۷۸). *تفسیر کاشف*، مترجم: موسی دانش، قم، بوستان کتاب.
۶۲. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الإسلامیة.
۶۳. منتظری نجف آبادی، حسینعلی (۱۴۰۹ق). *مبانی فقهی حکومت اسلامی*، قم، مؤسسه کیهان.
۶۴. میبدی، احمد بن محمد (۱۳۷۱). *کشف الأسرار و عدة الأبرار*، تحقیق: علی اصغر حکمت، تهران، امیرکبیر.
۶۵. نسفی، عبدالله بن احمد (۱۴۱۶ق). *مدارک التنزیل و حقایق التاویل*، بیروت، دارالفنایس.
۶۶. نووی، محمد (۱۴۱۷ق). *صراح لیبید لکشف معنی القرآن المجید*، بیروت، دارالکتب العلمیة.
۶۷. ورام بن اَبی فراس، مسعود بن عیسی (۱۴۱۰ق). *مجموعه ورام*، قم، بی نا.
۶۸. هلالی، سلیم بن قیس (۱۴۱۶ق). *أسرار آل محمد علیهم السلام*، قم، بی نا.

سخنرانی‌ها

۶۹. خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۹/۰۷/۲۷). بیانات در اجتماع بزرگ مردم قم.
۷۰. _____ (۱۳۸۷/۰۱/۰۱). بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی.
۷۱. _____ (۱۳۹۱/۱۰/۱۹). بیانات در دیدار مردم قم سالروز قیام دی.
۷۲. _____ (۱۳۶۸/۰۳/۲۸). سخنرانی در مراسم بیعت فرماندهان، نمایندگان ولیّ فقیه و مسئولان عقیدتی، سیاسی ژاندارمری و شهربانی، و رئیس و پرسنل سازمان پلیس قضائی کشور.
۷۳. _____ (۱۳۶۸/۰۳/۱۷). سخنرانی در مراسم بیعت گروه کثیری از فرماندهان و اعضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و وزارت سپاه.
۷۴. _____ (۱۳۷۶/۰۹/۱۸). بیانات در مراسم گشایش هشتمین اجلاس سران کشورهای اسلامی.
۷۵. _____ (۱۳۷۶/۱۱/۰۹). بیانات در دیدار با مسئولان کشوری و لشکری به مناسبت عید سعید فطر.
۷۶. _____ (۱۳۸۲/۰۶/۲۶). بیانات در دیدار اعضای اتحادیه‌ی انجمنهای اسلامی دانش‌آموزان.
۷۷. _____ (۱۳۶۶/۰۶/۳۱). سخنرانی در چهل‌ودومین مجمع عمومی سازمان ملل، نیویورک.
۷۸. _____ (۱۳۸۰/۰۸/۲۱). بیانات در جمع یک‌صد و ده هزار نفر از نیروهای بسیجی شرکت‌کننده در اردوی رزمی - فرهنگی علویون.
۷۹. _____ (۱۳۸۲/۰۶/۲۶). بیانات در دیدار اعضای اتحادیه‌ی انجمنهای اسلامی دانش‌آموزان.
۸۰. _____ (۱۳۹۰/۱۱/۱۰). بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی «جوانان و بیداری اسلامی».
۸۱. _____ (۱۳۹۴/۱۰/۰۸). بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی.
۸۲. _____ (۱۳۶۸/۰۹/۱۵). سخنرانی در دیدار با اقشار مختلف مردم و جمعی از پزشکان، پرستاران و کارکنان مراکز آموزش عالی و درمانی کشور
83. Dovydaitis T. Human trafficking: (2010) the role of the health care provider. J Midwifery Womens Health. from <https://www.ncbi.nlm.nih.gov/pmc/articles/PMC3651545/>



84. kthai , Celebrities and Their Negative Influences on Teenagers, March 23, 2016.
85. McClain NM, Garrity SE. (2011) Sex trafficking and the exploitation of adolescents. J Obstet Gynecol Neonatal Nurs. From <https://www.ncbi.nlm.nih.gov/pubmed/21284727>
86. Mill, John Stuart, (1861). Considerations on Representative Government, in Collected Works of John Stuart Mill (Volume XIX), John Robinson (ed.), Toronto: University of Toronto Press, 1963, pp. 371–577. From <https://plato.stanford.edu/entries/colonialism/>
87. Young, Robert, 2001. Postcolonialism: An Historical Introduction, Oxford: Blackwell. From <https://plato.stanford.edu/entries/colonialism/>

سایت‌ها:

88. <http://pmrk.ir/news/۸۹۶.html>...۸۹۶: کدخبر: ۱۳۹۵... ماموستا نوری، کدخبر: ۴۰:۱۰ /
89. <http://shabestan.ir/mobile/detail/news/۶۳۲۳۲۴>
90. <http://shastoon.ir/interview/10317/۵۳>: ۰۶ ساعت ۱۳۹۶ بهمن ۱۴ شنبه